

نظام اقتصادی

انتظار می‌رود دانش‌آموز در پایان این فصل بتواند :

- ۱- مفهوم نظام اقتصادی را تشریح کند.
- ۲- عناصر و اجزای اصلی نظام اقتصادی کشور را توضیح دهد.
- ۳- رابطه نظام اقتصادی را با عوامل و نظام‌های دیگر تجزیه و تحلیل کند.
- ۴- رابطه نظام اقتصادی را با نظام اجتماعی کل تجزیه و تحلیل کند.
- ۵- نقش و مشارکت فرد را در فعالیت‌های اقتصادی توضیح دهد.
- ۶- شرایط کلی انتخاب شغل را تشریح کند.
- ۷- بیکاری را به عنوان یکی از آسیب‌های نظام اقتصادی بشناسد.



مفهوم نظام اقتصادی

در فصول گذشته آموختیم که هر نظام اجتماعی برای بقای خویش به افرادی نیاز دارد که نقش‌ها و الگوهای عمل مربوط به آن را تحقق بخشند و هرگاه افرادی نباشند که ایفای نقش کنند، آن نظام از بین خواهد رفت. در همین مبحث به اجتماع پذیری و کنترل اجتماعی اشاره کردیم. در بحث خانواده نیز تولید نسل را مطرح کردیم که موجب تداوم جامعه می‌شود. همه این امور متکی به این است که انسان‌ها از نظر زیستی بتوانند زنده بمانند و زندگی کنند و حداقل نیازهای مادی خود را چون خوراک، پوشاک و مسکن تأمین سازند؛ در غیر این صورت، زندگی اجتماعی از بین خواهد رفت.

فعالیت اقتصادی

بنابراین، تولید مایحتاج زندگی در کنار تولید نسل و حتی مقدم بر آن برای بقای نظام اجتماعی ضروری است؛ به همین دلیل، بخشی از فعالیت‌های انجام شده در هر نظام به تهیه وسایل لازم زندگی اختصاص می‌یابد که از آن به **فعالیت اقتصادی** یاد می‌شود.

– تلاش کشاورزان در زمین‌های کشاورزی

– فعالیت کارگران و مهندسان در کارخانه‌ها

نمونه‌هایی از فعالیت اقتصادی است که طی آنها کالا **تولید** می‌شود.

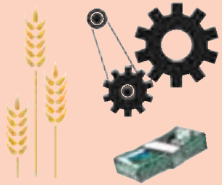
– فعالیت پزشکان در امور بهداشتی و درمانی

– تلاش کارمندان در اداره‌ها و سازمان‌ها

نیز نمونه‌های دیگری از فعالیت اقتصادی است که طی آنها چیزی به عنوان **خدمات** عرضه می‌شود.

– پخش فراورده‌های کارخانه‌ها

– فعالیت مشاوره‌ای مؤسسات مختلف



نمونه‌هایی از فعالیت اقتصادی است که در آنها کالا و خدمات، توزیع و مبادله می‌شود.

فعالیت ۱-۲ برای هریک از بخش‌های تولید، خدمات و توزیع، دو نمونه فعالیت اقتصادی (غیر از موارد گفته شده) بنویسید.

رابطه اقتصادی

فعالیت‌های اقتصادی در محیط اجتماعی و در ارتباط با دیگران انجام می‌شود و موجب برقراری رابطه‌ای میان فرد و دیگران می‌گردد که به آن **رابطه اقتصادی** می‌گویند.

– رابطه کارگران با یکدیگر در محیط کار

– رابطه آنها با مهندسان و سرکارگران

– رابطه آنها با مدیر کارخانه

– رابطه آنها با صاحب کارخانه و...

نمونه‌هایی از رابطه‌های اقتصادی در کارخانه است.

فعالیت ۲-۲ برای هریک از موارد زیر، سه نمونه رابطه اقتصادی بنویسید :

۱ – کارمندان در اداره

۲ – کشاورزان در مزرعه

۳ – افراد در بازار.

در رابطه اقتصادی برخلاف رابطه دوستانه (که قبلاً از آن صحبت کردیم)، افراد با هدف تولید کالا و خدمات یا مبادله آنها، با یکدیگر رابطه برقرار می‌کنند؛ بنابراین، می‌توان گفت با فعالیت اقتصادی در کنار رابطه دوستانه، نوع دیگری از رابطه به وجود می‌آید که در آن هدف، صرفاً برقراری دوستی نیست بلکه تولید یا مبادله کالا و خدمت مورد نظر است.

در روابط اقتصادی، رابطه افراد با یکدیگر براساس سود و منفعت است؛ برخلاف رابطه مبتنی بر دوستی که در آن حسابگری‌های اقتصادی نقشی ندارد. تفاوت و جدایی این دو نوع رابطه را ضرب‌المثل معروف «حساب حساب است، کاکا برادر» نشان می‌دهد که در آن رابطه دوستی و خویشاوندی از رابطه اقتصادی جدا می‌شود.

نظام اقتصادی

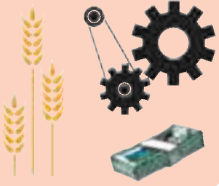
در رابطه اقتصادی، تمایل به کسب سود موجب تضاد و درگیری میان افراد می‌شود. در نتیجه، جامعه برای حفظ یکپارچگی خود قواعدی را تعیین می‌کند. این گونه قواعد که از آنها با عنوان **قاعده مالکیت** یاد می‌شود، حدود منافع مردم را مشخص می‌کنند و جامعه را از گسستگی و درگیری درامان نگاه می‌دارند. این قاعده از جامعه‌ای تا جامعه دیگر و از زمانی تا زمان دیگر تغییر می‌کند.

قاعده مالکیت حدود استفاده افراد را از امکانات جامعه (چه طبیعی و چه غیرطبیعی) مشخص می‌کند و از منافع افراد، در مقابل دیگران حراست می‌کند. با توجه به آنچه درباره مفاهیم رابطه اقتصادی و قاعده مالکیت گفتیم، نظام اقتصادی را می‌توان چنین تعریف کرد:

مجموعه روابطی که حول تولید یا مبادله کالا و خدمات و براساس قواعد تعیین شده توسط جامعه (قاعده مالکیت) شکل می‌گیرد، **نظام اقتصادی** را به وجود می‌آورد.

فعالیت ۳ - ۴ یک واحد اقتصادی را در نظر بگیرید؛

- ۱- این واحد اقتصادی در کدام بخش (تولید، خدمات و توزیع) فعالیت اقتصادی دارد؟
- ۲- این واحد اقتصادی از چه نقش‌هایی تشکیل شده است؟
- ۳- نمونه‌هایی از رابطه‌های اقتصادی میان این نقش‌ها را مشخص کنید.



اجزای نظام اقتصادی

خرده نظام اقتصادی برخلاف خانواده که از چند نقش محدود تشکیل می‌شود، شامل صدها و هزاران خرده نظام کوچک تر است که هر یک اجزای متفاوتی دارند؛ بنابراین، هنگام بحث در مورد نظام اقتصادی نمی‌توان به بحث درباره چند نقش و روابط میان آنها پرداخت، بلکه باید به خرده نظام‌های تشکیل دهنده آن و روابط میان آنها اشاره کرد که گاه خود، نظام‌ها و نقش‌های متعددی را شامل می‌شوند.

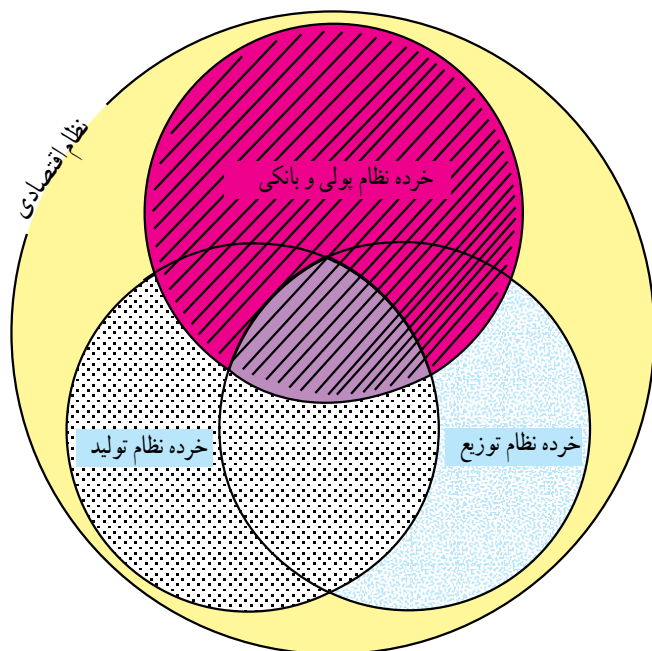
اگر یک کارگاه کوچک صنعتی را نظام اقتصادی در نظر بگیریم، در این نظام می‌توانیم از نقش‌ها سخن بگوییم؛ مثلاً در کارگاه تراشکاری از نقش‌های مدیر، شاگردان، استادکاران و... یاد می‌کنیم اما همین که به نظام‌های بزرگ‌تر می‌رسیم دیگر با نقش‌ها روبه‌رو نیستیم، بلکه با خرده نظام‌های متعددی مواجهیم که در مجموع، نظام اقتصادی یک شهر، کشور یا یک منطقه را تشکیل می‌دهند که مشخص کردن نقش‌های آنها به آسانی صورت نمی‌پذیرد. امروزه با توجه به امکان ارتباط میان بخش‌های مختلف یک کشور و حتی جهان، مرزهای نظام‌های اقتصادی شهرها و کشورها در حال از بین رفتن است؛ تا آن جا که مغازه‌دار روستای دورافتاده‌ای در کردستان کالایی را عرضه می‌کند که در فرانسه یا شیلی و... تولید می‌شود؛ شرایط معامله در شهری چون فردوس از سیاست‌های پولی بانک مرکزی ایران و حتی بانک جهانی متأثر می‌شود؛ افزایش یا کاهش قیمت ارزها (دلار و ریال یا ین و دلار) بر قیمت کالا در رامهرمز تأثیر می‌گذارد.

بنابراین، هنگامی که از خرده نظام اقتصادی سخن می‌گوییم، نخست لازم است مشخص کنیم کدام خرده نظام و به این نکته نیز توجه داشته باشیم که این خرده نظام اقتصادی

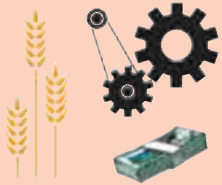
۱- مبادله فقط به درون مرزهای کشور محدود نمی‌شود و هر کشور ناچار است که با خارج از مرزهای خود نیز روابط اقتصادی داشته باشد؛ برای این منظور، باید از وسیله پرداخت یا پولی استفاده شود که در کشور طرف معامله مورد قبول باشد؛ بنابراین، به هر نوع وسیله پرداخت خارجی («ارز») گفته می‌شود

با نظام های اقتصادی بیرون از خودش رابطه متقابل دارد. همچنین با توجه به اینکه خرده نظام را در چه سطحی مطرح کنیم (محلی، شهری، کشوری و...)، شکل بحث نیز تغییر می کند. برای نمونه، اگر اقتصاد را در سطح ملی مورد بحث قرار می دهیم، سیاست های اقتصادی دولت باید به عنوان عاملی مهم مورد بحث قرار گیرند اما اگر در سطح یک محله بحث می کنیم، سیاست های دولت اگر چه بر رابطه های اقتصادی اثر دارند می توان از بحث در مورد آنها چشم پوشی کرد.

آنچه در اینجا به عنوان نظام اقتصادی مطرح می شود، نظام اقتصادی کشور است. نظام اقتصادی یک کشور را می توان به سه خرده نظام تقسیم کرد: **نظام تولیدی**، **نظام توزیع** (که به آن بازار می گویند) و **نظام پولی و بانکی**. هر یک از این خرده نظام ها، صدها خرده نظام دیگر را شامل می شوند.



خرده نظام های اقتصادی



نظام تولیدی

نظام تولیدی به مجموعه نقش‌ها و خرده نظام‌هایی می‌گویند که حول تولید کالا و خدمات شکل می‌گیرد و خود به سه بخش صنعت، کشاورزی و خدمات تقسیم می‌شود. این نظام از خرده نظام‌هایی چون صنایع، کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، مزارع، کشت و صنعت‌ها، مراکز آموزشی و... تشکیل می‌شود.

نظام توزیع

نظام توزیع حول مبادله کالاها و خدمات به وجود می‌آید و به صورت شبکه‌ای در سطح کشور، از یک سو بخش‌های تولیدی را به یکدیگر مرتبط می‌سازد و از سوی دیگر، واسطه میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است. از خرده نظام‌های آن بازار پایتخت (برای مثال، بازار تهران)، بازارهای اصلی استان‌ها، بازارهای محلی، بنادر آزاد، بازارهای فصلی و... را می‌توان نام برد. مغازه‌دار محل هم که شما از او شیر، ماست، ماکارونی و... می‌خرید، کوچک‌ترین واحد این خرده نظام‌هاست که مصرف‌کننده را به طور مستقیم یا با چند واسطه به تولیدکننده شیر و ماست (کارخانه شیر پاستوریزه و دامداری‌های شهرستان) و ماکارونی (کارخانه‌های متعدد تولید مواد غذایی) و... متصل می‌سازد.

فعالیت ۴-۴ موارد زیر را در نظر بگیرید و مشخص کنید کدام بخش‌های تولیدی از کالاهای تولید شده زیر (پارچه و چوب) استفاده می‌کنند و واسطه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان محسوب می‌شوند:

- ۱- کارخانه پارچه بافی (تولیدکننده)..... مصرف‌کننده
- ۲- کارخانه چوب‌بری (تولیدکننده)..... مصرف‌کننده

نظام پولی و بانکی

فعالیت ۵-۴ در کلاس بحث کنید؛

- ۱- مبادله کالاها و خدمات در روزگاران گذشته چگونه انجام می‌گرفت؟
- ۲- امروزه مبادله کالاها و خدمات با چه وسایلی انجام می‌گیرد؟

پیدایش پول^۱ موجب شده است که نظام جدیدی درون نظام اقتصادی به وجود آید که هدف آن، تهیه، توزیع و حفظ ارزش پول رایج یک کشور و اسناد معتبر و نظارت برگردش آنهاست و از آن به نظام پولی و بانکی یاد می‌شود.

در مرکز این نظام، بانک مرکزی هر کشور قرار دارد و بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مختلف، مانند صندوق‌های قرض الحسنه خرده نظام‌های آن هستند. شعبه بانک محله و خیابان شما آخرین حلقه زنجیر این مجموعه است که شما می‌توانید در آن حساب پس انداز داشته باشید. بانک حافظ پول شماست و از آن در جهت بازرگانی یا تولید استفاده می‌کند. نظام پولی و بانکی، همپای نظام توزیع در سراسر کشور گسترده است و در شکل دهی به فعالیت‌های اقتصادی نقش اساسی دارد؛ مثلاً:

— در تنظیم قیمت‌ها و تورم^۲ از راه دست‌کاری بر حجم پول در گردش، خرید یا فروش اوراق قرضه، استقراض دولت از بانک مرکزی و... اثر می‌گذارد.

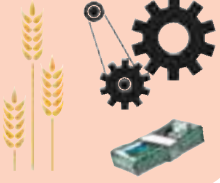
برای آشنایی با وجوهی از کار این نظام، حالت فرضی زیر را بررسی می‌کنیم. فرض کنید سود اختصاص یافته به سپرده‌های بلند مدت از ۱۵ درصد در سال به ۲۰ درصد تغییر یابد؛ اختصاص سود بیشتر به سپرده‌ها، نتایجی به دنبال خواهد داشت؛ از جمله:

— افراد را تشویق می‌کند که سرمایه‌های خود را در بانک پس انداز کنند؛
— از پول‌های محدود افراد سرمایه‌های عظیمی برای بانک‌ها فراهم می‌شود که می‌توانند آنها را در بخش‌های تولیدی یا بازرگانی سرمایه‌گذاری کنند؛
— پول از میان مردم جمع می‌شود؛ در نتیجه، تقاضا برای کالا کم شده، بازار راکد می‌شود؛

بنابراین، حتی اگر قیمت‌ها کاهش نیابند، برای مدتی ثابت باقی می‌مانند.

۱- امروزه اسکناس، چک، سفته و سایر اسناد بانکی از اشکال پول به حساب می‌آیند

۲- تورم عبارت است از عدم تعادل بین مقدار پول منتشر شده و مقدار نیازی که مردم برای انجام مبادلات خود به آن دارند؛ به عبارت دیگر، افزایش مستمر قیمت‌ها را که بر اثر کاهش عرضه و افزایش تقاضا به وجود می‌آید، «تورم» می‌نامند



البته این مثالی است بسیار ساده و در آن فرض بر این است که عوامل دیگر ثابت باقی بمانند؛ زیرا در صورتی که عوامل دیگر هم تغییر کنند، قضیه شکل دیگری خواهد داشت.

- فعالیت ۶-۴** برای درک بهتر میزان تأثیرگذاری سیاست‌های پولی بر نظام اقتصادی، درباره آثار سیاست‌های پولی زیر در کلاس گفت و گو کنید:
- ۱- وام‌دهی بانک‌ها بر ساخت و خرید خانه
 - ۲- وام‌دهی بانک‌ها بر ایجاد مجتمع‌های دامپروری یا کشاورزی.

رابطه نظام اقتصادی با عوامل و نظام های دیگر

الف - اقتصاد و محیط طبیعی

محیط طبیعی یکی از عوامل عمده ای است که بر شکل دهی نظام اقتصادی تأثیر می گذارد؛ برای نمونه :

— در کشوری که بخش عظیمی از سرزمین های آن را صحراهای سوزان و بی آب و علف تشکیل می دهد، رشد کشاورزی با مشکل روبه رو خواهد شد اما در کشوری که دارای آب و هوای مناسب است، کشاورزی می تواند پیشه بیشتر افراد باشد.

— کشوری که از جهت منابع طبیعی و معدن دچار کمبود است، اگر بخواهد صنعتی روبه رشد داشته باشد، با مشکل تهیه مواد اولیه روبه رو خواهد بود اما کشوری که دارای منابع طبیعی غنی است، در صورت وجود شرایط دیگر می تواند به سرعت رشد کند.

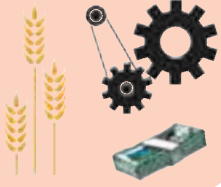
بنابراین، محیط طبیعی در شکل دهی نظم اقتصادی تأثیری مهم دارد. البته با رشد صنعت، این عامل ضعیف تر از گذشته شده است؛ تا آن جا که کشوری مانند ژاپن با وجود فقدان منابع طبیعی لازم نیز توانسته است در ردیف کشورهای صنعتی و پیشرفته قرار گیرد.

ب - اقتصاد و صنعت

عامل دیگری که بر اقتصاد تأثیر اساسی دارد، ابزار تولید یا صنعت و فناوری (تکنولوژی) است. بستگی اقتصاد به صنعت، ما را به سوی شناخت این عامل می کشاند.

فعالیت ۷ - ۴ برای درک بهتر میزان تأثیر صنعت و فناوری بر نظام اقتصادی، درباره موارد زیر در کلاس بحث کنید.

۱ - با ورود خودرو به صحنه زندگی اجتماعی، کدام مشاغل به تدریج از بین رفته و کدام مشاغل در جامعه به وجود آمده اند؟



۲ - اختراع رایانه در روند فعالیت‌های اقتصادی چه تغییراتی به وجود آورده است؟

رشد و توسعه صنعت و فناوری تابع رشد علم است؛ یعنی، علم با کشف قوانین حاکم بر جهان طبیعت، راه را برای ساختن ابزارهای مناسب جهت کنترل و بهره‌وری از آن فراهم می‌سازد. فرض کنید :

- نیروی بخار یا الکتریسیته کشف نشده بود؛ در آن حالت صنایع چه شکلی داشت؟
- قوانین ریاضی و فیزیکی مربوط به انتشار امواج کشف نمی‌شد؛ آیا صنایع ارتباطی، ماهواره‌ای و ... می‌توانست شکل بگیرد؟

فعالیت ۸-۴ دو نمونه از پیشرفت‌های به دست آمده در زمینه علوم مختلف را ذکر کنید و توضیح دهید که این پیشرفت‌ها چگونه بر نظام اقتصادی تأثیر گذاشته‌اند.

- رشد علم نیز به نوبه خود به ارزش‌های جامعه بستگی دارد. در جامعه‌ای که :
- به فعالیت علمی توجه نمی‌شود؛
- افراد علت وقایع را نیروهای اسطوره‌ای، جادویی و اوضاع کواکب می‌دانند؛
- و ...

- علم مجال کمتری برای رشد می‌یابد. در جامعه‌ای که :
 - سازمان علمی مشخصی ندارد؛
 - بودجه‌ای به تحقیقات اختصاص داده نمی‌شود؛
 - ثروت جامعه بیشتر در راه تجمل و مصرف، صرف می‌شود تا پیشرفت علم؛
 - و ...
- علم مجالی برای رشد ندارد.

پ - اقتصاد و نظام آموزشی

فعالیت ۹-۴ دو جامعه زیر را در نظر بگیرید :

- جامعه‌ای که در آن زمین را با خیش شخم می‌زنند، با آب باران و جویبارها آبیاری می‌کنند و جمع‌آوری محصول به شکل دستی انجام می‌گیرد.

– جامعه‌ای که در آن برای شخم‌زدن از تراکتور، برای آبیاری از پمپ و برای جمع‌آوری محصول از ماشین کمباین استفاده می‌شود.

مهارت‌های لازم را برای فردی که می‌خواهد در هر یک از این دو حالت به تولید کشاورزی پردازد، با یکدیگر مقایسه کنید. چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟

امروزه کار کردن نه تنها در بخش کشاورزی، در دیگر بخش‌های نظام اقتصادی نیز به مهارت و آموزش بیشتری نیاز دارد. علاوه بر این، **مدیریت** نیز به عنوان جزء جدانشدنی هر مؤسسه تولیدی و حتی بازرگانی مستلزم آموزش و کسب مهارت‌هایی است که آموزش رسمی، مقدمه‌ای برای آن محسوب می‌شود.

بنابراین، می‌توان گفت: **نظام آموزشی با نظام اقتصادی رابطه‌ای تنگاتنگ دارد.**

– افرادی که دوره کارشناسی را در دانشکده‌های فنی و مهندسی می‌گذرانند،

– دانشجویان رشته‌های مدیریت،

– دانش‌آموزان هنرستان‌ها،

– دانشجویان مراکز فنی – حرفه‌ای و...

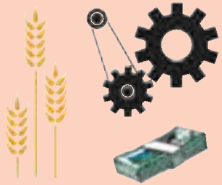
همگی برای ورود به بخش‌های مختلف اقتصاد آموزش می‌بینند. آموزش دانشجویان رشته‌های دیگر و دانش‌آموزان دبیرستان‌ها هم به شکلی دیگر، مقدمه ورود آنها به بازار کار است.

در صورتی که نظام آموزشی کشور نتواند نیروهای مورد نیاز صنعت، خدمات و حتی کشاورزی را تربیت کند، افول اقتصادی امری طبیعی خواهد بود؛ به همین دلیل، بر تربیت نیروهای متخصص تأکید می‌شود.

ت – اقتصاد و نیازهای افراد

نظام اقتصادی به نوع نیازهای افراد جامعه بستگی دارد؛ زیرا در فعالیت اقتصادی هدف نهایی رفع نیازهای افراد است.

البته منظور از نیاز صرفاً غرایزی مانند گرسنگی و تشنگی نیست که در انسان و حیوان به تلاش برای تهیه غذا منجر می‌شود بلکه منظور هر نوع تمایلی است که در جامعه و در



جریان اجتماعی شدن در افراد شکل می گیرد.

این امیال بعضی ریشهٔ زیستی دارند؛ مانند میل به غذا که در جامعه شکل خاصی به خود گرفته است. بعضی در جریان زندگی اجتماعی سر برمی آورند؛ مانند نیازی که فرد برای پوشیدن لباس خاصی در خود احساس می کند. این نیاز، نیازی زیستی نیست، و در جریان زندگی اجتماعی و رابطهٔ فرد با دیگران و اجتماعی شدن در او شکل می گیرد.

اگر نیازها را به این معنی بگیریم، با توجه به آنچه پیش از این در مورد اجتماعی شدن گفته ایم، نتیجه می گیریم که: **در شکل گیری نیازها، ارزش ها و فرهنگ جامعه و به تبع آن جریان اجتماعی شدن، نقشی اساسی دارد.**

فعالیت ۱۰ - ۴ دو جامعهٔ زیر را در نظر بگیرید:

— جامعه‌ای که برای شکوفایی اقتصادی، صرفه جویی و مصرف کم و کار زیاد را ارزش می داند.

— جامعهٔ عقب افتاده‌ای که مصرف زیاد، اسراف و تجمل در آن ارزش محسوب می شود. این ویژگی‌ها برای نظام اقتصادی این دو جامعه چه نتایجی در بر خواهند داشت؟ برای نمونه، یکی از عوامل مؤثری که باعث شده است کشوری پهناور مانند چین، با جمعیتی عظیم بتواند در مدت ۴۰ سال در ردیف ابرقدرت‌ها قرار گیرد، سنت ساده پوشی و ساده‌زیستی است.

بنابر آنچه گفتیم، نظام اقتصادی از طریق نیازها نیز با فرهنگ پیوند می یابد. با توجه به ارزش‌ها و فرهنگ، نظام اقتصادی در راه رشد و توسعه یا انحطاط و وابستگی گام برمی دارد.

ث - اقتصاد و نظام سیاسی

دولت به عنوان هستهٔ اصلی نظام سیاسی از راه‌های مختلف بر نظام اقتصادی اثر می گذارد و از آن تأثیر می پذیرد. آشکارترین این راه‌ها، دخالت در امور اقتصادی از طریق سیاست‌های پولی و مالی است که قبلاً به آن اشاره کرده ایم.

اهرم دیگر دخالت دولت در اقتصاد، برنامه و بودجه است؛ زیرا برنامه‌های کوتاه مدت

و بلندمدت است که مشخص می کند :

– در چه بخش هایی باید سرمایه گذاری شود؛

– به کدام صنایع مجوز داده شود؛

– به کدام کالاها مجوز ورود یا صدور داده شود؛

– به کدام کالاها یارانه داده شود؛

و صدها مورد دیگر؛ به عبارت دیگر، برنامه نحوه دخالت و عمل دولت را در اقتصاد مشخص می سازد.

بودجه نیز که روش دخل و خرج دولت را معلوم می کند، از راه های مختلف بر اقتصاد اثر می گذارد؛ یکی از این راه ها، تأثیر کسری بودجه^۱ بر قیمت ها و ایجاد تورم است. افزایش و کاهش هزینه های دولت به خودی خود بر اقتصاد اثر می گذارد؛ زیرا در نظام اقتصادی، دولت هم یک مصرف کننده بزرگ است و هم بزرگ ترین تولید کننده و تا حدی توزیع کننده؛ در نتیجه، هرگونه تصمیم گیری وی در زمینه اقتصاد بر نظام اقتصادی تأثیر فراوان می گذارد.

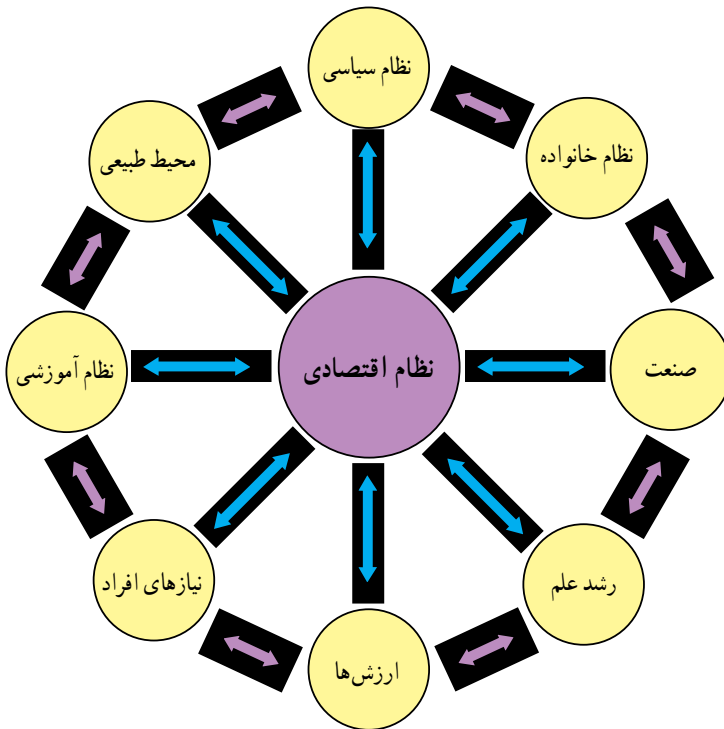
برای نمونه، فرض کنید دولت تصمیم بگیرد حقوق کارمندان را به میزان ۲۰ درصد افزایش دهد. این افزایش به معنای این است که از یک سو دولت باید منبع درآمد جدیدی را بیابد تا بتواند این پول را تهیه کند. این خود نوعی تلاش اقتصادی است و به نوبه خود بر بخش های دیگر تأثیراتی خواهد داشت؛ از سوی دیگر، این مقدار پول وارد بازار می شود و بر قیمت ها اثر می گذارد.

فعالیت ۱۱ – ۴ فرض کنید دولت تصمیم بگیرد ورود کالای X را که ممنوع بوده و در داخل تولید می شده است، آزاد کند. اگر قیمت تمام شده این کالا در داخل، بیشتر از قیمت مشابه خارجی آن باشد، در کلاس بحث کنید که چنین تصمیمی بر تولید این کالا در داخل کشور چه تأثیری خواهد گذاشت؟

۱ – بودجه سندی است شامل پیش بینی درآمدها و هزینه های عمومی در ظرف مدت یک سال، به منظور اجرای عملیات معین برای دست یابی به اهداف تعیین شده با قدرت اجرایی مشخص. به حالتی که طی آن رقم پیش بینی شده برای درآمدها کمتر از هزینه های عمومی باشد، «کسری بودجه» گفته می شود

ج - اقتصاد و نظام خانواده

خانواده به عنوان نظامی که یکی از نتایج آن تولید نسل است، از یک سو برای نظام اقتصادی، مصرف کننده فراهم می کند و از سوی دیگر، نیروی کار آن را مهیا می سازد. این مطلب در اقتصاد با عنوان جمعیت و نیروی انسانی مورد بحث قرار می گیرد.



رابطه نظام اقتصادی با نظام ها و عوامل دیگر

نظام اقتصادی و نظام اجتماعی کل

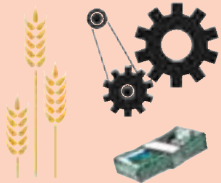
برای بررسی رابطه نظام اقتصادی و نظام اجتماعی کل به نقش نظام اقتصادی در بقای نظام اجتماعی کل و تحول آن می پردازیم.

نظام اقتصادی و تحول نظام اجتماعی کل

نظام اقتصادی در همان حال که به عنوان یک بخش ضروری نظام اجتماعی، وظیفه حفظ حیات مادی جامعه را برعهده دارد، موجب تحول و تغییر در نظام اجتماعی کل نیز می شود. چگونه نظام اقتصادی موجب تحول نظام اجتماعی کل می شود؟ برای پاسخ گویی به این پرسش، مواردی را بررسی می کنیم.

شرایطی را در نظر بگیرید که در آن افراد، پشم را با دوک یا چرخ نخ ریزی دستی به نخ تبدیل می کنند. در این حالت، مجموعه ای از روابط اقتصادی میان تهیه کنندگان پشم، افرادی که آن را به نخ تبدیل می کنند و قالی بافان وجود دارد. در این میانه، افرادی هم هستند که واسطه میان تولیدکنندگان نخ و قالی بافان اند. زمانی ماشین نساجی وارد میدان می شود و جایگزین خیل افرادی می شود که پشم را به نخ تبدیل می کنند. صنعت گذشته در مقابل صنعت جدید مقاومت می کند ولی بالاخره صنعت جدید پیروز می شود؛ افرادی بیکار می شوند؛ عده ای به شغل های دیگر رو می آورند و این تغییرات به نوبه خود روابط اجتماعی دیگر را تغییر می دهد. گروه هایی موقعیت اجتماعی خود را از دست می دهند و افراد جدیدی موقعیت بهتری در جامعه پیدا می کنند و

این نمونه ای بسیار کوچک از تأثیر صنعت بر روابط اقتصادی است که به نوبه خود بر روابط دیگر افراد اجتماع هم اثر می گذارد.



فعالیت ۱۲ - ۴ بررسی کنید هر یک از موارد زیر، در روابط

اجتماعی جوامع مذکور چه تغییراتی به وجود خواهد آورد :

۱ - ورود برق به یک روستا

۲ - جایگزینی خودرو به جای درشکه در یک شهر.

اگر سرعت تغییرات در نظام اقتصادی به نحوی باشد که افراد بتوانند

زندگی خود را با شرایط جدید وفق دهند، این تغییرات روابط اجتماعی را تغییر می دهند ولی برای جامعه مشکلی فراهم نمی آورند اما اگر تغییر آن چنان سریع باشد که خرده نظام های دیگر جامعه نتوانند خود را با آن وفق دهند، جامعه دچار عدم تعادل و ناهماهنگی می شود؛ تا آنجا که گاه انقلاب ها شکل می گیرند، نظام های سیاسی تغییر می کنند و آشوب های طولانی مدت و ... به وقوع می پیوندند.

ورود سریع صنعت به کشورهای توسعه نیافته، بدون توجه به پیامدهای آن و تغییر دیگر خرده نظام ها در این کشورها، شورش ها و تحولات مداوم را به دنبال داشته است. بنابراین، نظام اقتصادی در عین حال که وظیفه حفظ حیات مادی جامعه را برعهده دارد، در روزگار ما - که صنعت بخش عمده و گاه اصلی آن را تشکیل می دهد - منبع تحول جامعه به حساب می آید. این تحول گاه آن چنان سریع است که جامعه را به عدم تعادل دچار می کند.

نظام اقتصادی و تضاد طبقاتی

نظام اقتصادی از راه دیگری نیز در جهت ایجاد عدم تعادل، ناهماهنگی و تضاد عمل می کند. این مورد که می توان آن را یکی از پیامدهای نامناسب نظام اقتصادی دانست، به وجود آمدن **تضاد طبقاتی** است.

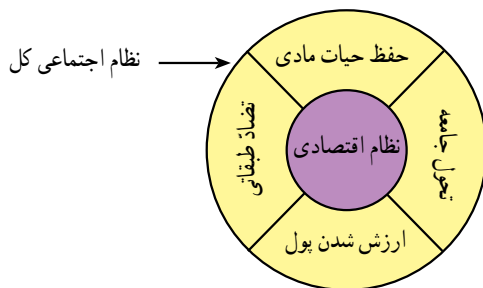
پیش از این گفتیم که جامعه با وضع قواعدی از جمله قاعده مالکیت، حدود استفاده افراد و منافع آنها را مشخص می سازد اما گاهی همین قواعد موجب می شود گروه هایی در جامعه ثروت های کلان داشته باشند و عده ای در فقر دست و پا بزنند؛ عده ای براساس بیان معروف «پول، پول می آورد»، هر روز ثروتمندتر و عده ای هر روز فقیرتر شوند. در چنین حالتی، جامعه به دو گروه متفاوت تقسیم می شود که در یک سو امکانات مادی، آموزشی،

رفاهی و... نباشته شده است و در سوی دیگر، فقر مادی، آموزشی، رفاهی و... بیداد می‌کند. این دو گروه هر روز از یکدیگر بیگانه‌تر می‌شوند؛ تا آنجا که **دو فرهنگ متفاوت** نیز شکل می‌گیرد و جامعه به دو بخش تقسیم می‌شود.

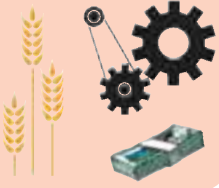
همین دوگانگی سبب می‌شود که آشوب‌های داخلی شکل بگیرد، جامعه دچار نابسامانی شود و حتی نظام سیاسی دگرگون گردد.

نظام اقتصادی و رواج پول پرستی

علاوه بر آثاری که پیش از این به آنها اشاره کردیم، نظام اقتصادی جدید که مبتنی بر پول است، پول را به یک ارزش در جوامع تبدیل کرده است؛ تا آنجا که مصلحان جوامع از ضعف و مرگ معنویات و وجدان و فراموش شدن انسانیت سخن می‌گویند؛ به عبارت دیگر، این امر باعث شده است که نظام اقتصادی پیامدی نامناسب در نظام اجتماعی بیابد؛ تا آنجا که در جوامع مختلف به صورت مشکلی پیچیده درآمده و تلاش مصلحان برای حل آن کمتر موفق بوده است.



پیامدهای مناسب و نامناسب نظام اقتصادی



نظام اقتصادی و فرد (۱)

برای سخن گفتن دربارهٔ رابطهٔ فرد و نظام اقتصادی، ابتدا لازم است ببینیم در جهان پیچیدهٔ اقتصاد، فرد چه کاره است و برای ورود به چنین جهانی که در آن از نوازش مادرانه، دلسوزی پدرانه و همراهی دوستانه خبری نیست، چه باید کرد.

در بحث از رابطهٔ فرد و نظام اقتصادی باید دو مطلب را از یکدیگر تفکیک کرد:

الف - گاه فرد در نظام اقتصادی، نقش تولیدکننده یا ارائه‌دهندهٔ خدمت یا توزیع‌کننده را برعهده می‌گیرد. در این حالت، می‌توان وی را **شاغل** و فعالیت او را در آن نقش **شغل** نامید.

ب - فرد شاغل باشد یا نباشد، رابطهٔ دیگری نیز با نظام اقتصادی دارد و آن رابطهٔ **مصرف‌کننده** است.

اشتغال و آثار آن بر زندگی فرد

افراد در طول زندگی خود، همواره در نظام اقتصادی، مصرف‌کننده‌اند ولی در همهٔ ادوار زندگی شاغل نیستند و تنها در سنین خاصی می‌توانند نقش اقتصادی برعهده بگیرند و شاغل شوند. جوانی دوره‌ای است که در آن، نقش تولیدکنندگی به نقش مصرف‌کنندگی افزوده می‌شود. **یکی از وجوه بزرگ سال شناخته شدن جوان، داشتن شغل است.**

با شاغل شدن، شرایط فرد هم تغییر می‌کند. پیش از این، او وابسته به خانواده یا فرد دیگری بوده است ولی از این پس - به قول معروف - می‌تواند دست در جیب خود کند و استقلال بیشتری داشته باشد؛ در بسیاری از موارد می‌تواند خود تصمیم بگیرد و حتی عهده‌دار ادارهٔ زندگی دیگران شود.

شاغل بودن یکی از شرایط مهم ازدواج به خصوص برای پسران است. علت این امر، آن است که **کار کردن از یک طرف خود یک ارزش به حساب می‌آید و موجب تعالی فرد می‌شود و از طرفی، شأن و منزلت اجتماعی، قدرت و نفوذ و برخورداری از امکانات**

مادی تا حدّ زیادی به شغلی که فرد انتخاب می‌کند، بستگی دارد.

علاوه بر مواردی که گفتیم، شغل از جهات دیگر نیز بر زندگی فرد تأثیر دارد؛ مثلاً:

- کارگری که در طول روز در کارخانه مشغول کار است؛
- کارمندی که وقت مفید خود را در اداره صرف می‌کند؛
- کاسبی که در مغازه و بازار مشغول فعالیت است؛

در واقع بخش اعظم اوقات زندگی خویش را به فعالیتی در قالب یک شغل مشغول اند. در صورتی که **این فعالیت‌ها موفقیت‌آمیز نباشد و فرد را خرسند نسازد**، او از بخش عظیمی از زندگی‌اش بهره‌ای نبرده است؛ به همین دلیل، **رضایت از شغل** یکی از جنبه‌های مهمّ سعادت فردی است که از شغل مناسب حاصل می‌شود. چه بسا افرادی که در دیگر قلمروهای زندگی خود شکست خورده‌اند یا ناموفق بوده‌اند ولی موفقیت در شغل و رضایت حاصل از آن توانسته است شکست‌ها را برای آنها جبران کند.

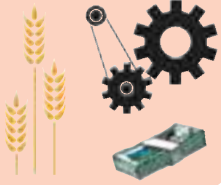
همچنین، شغل یکی از راه‌های اصلی بروز **خلاقیت** است؛ زیرا در روزگار ما افراد نمی‌توانند مهارت‌های زیادی را در زمینه‌های مختلف کسب کنند؛ برای نمونه:

- فردی که در زمینه جغرافیا درس خوانده است، به‌سختی می‌تواند خلاقیت خود را در زمینه فلسفه نشان دهد.
- فردی که در بازار مشغول به کار است، به‌سختی خواهد توانست در طراحی ماشین‌های کارخانه‌ای فعال شود؛ از این‌رو، شغل فرد بهترین عرصه برای بروز خلاقیت فردی است.
- برای معلم بهترین عرصه بروز خلاقیت همان کلاس و تدریس و آزمون است.

با توجه به مقدمات ذکر شده، باید این نکته روشن شده باشد که **انتخاب شغل** در زندگی، انتخابی بسیار اساسی و مهم است که بر همه وجوه زندگی آینده فرد اثر می‌گذارد؛ انتخابی که حتی انتخاب همسر و زندگی موفق با وی و تربیت فرزندان نیز به آن بستگی دارد.

برای روشن شدن مطلب به مثالی توجه کنید:

- فرض کنید فردی شغل معلمی را انتخاب کرده است؛
- شغلی که از منزلت اجتماعی بالایی برخوردار است؛

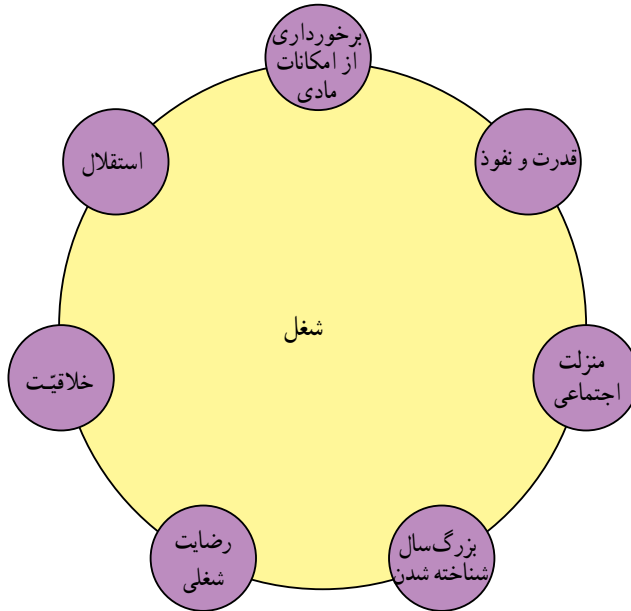


– شغلی که از دارنده آن انتظار می رود از ظرافت های تربیت انسان ها آگاه باشد؛

– و ...

وی در تصمیم گیری ها عاقلانه عمل می کند و تا حد امکان می کوشد تمام جوانب امور را در نظر بگیرد. اگر بخواهد همسر انتخاب کند و خانواده تشکیل دهد، با توجه بیشتری به این کار توفیق می یابد؛ حتی فرزندان او نیز ممکن است موفقیت بیشتری در تحصیل به دست آورند و با سرمشق گرفتن از پدر و مادر خود، مدارج علمی را با انگیزه بیشتری تعقیب کنند.

فعالیت ۱۳ – ۴ فردی را در نظر بگیرید که به دلایلی، شغل خود را از دست می دهد. به دنبال از دست دادن شغل، چه تغییراتی در وضعیت او در خانواده، جمع دوستان و جامعه به وجود خواهد آمد؟ در این باره در کلاس گفت و گو کنید.



نتایج و آثار شغل و شاغل شدن

نظام اقتصادی و فرد (۲)

شاید تاکنون برای بسیاری از شما این سؤال مطرح شده است که شغل خود را چگونه انتخاب کنم تا :

– در آینده فردی موفق باشم؛

– از فعالیت خود احساس رضایت کنم؛

– بتوانم از خلاقیت و استعداد خود در عرصه آن شغل بهره گیرم.

فعالیت ۱۴ – ۴ پیش از ادامه درس، در مورد پرسش ذکر شده فکر کنید و پاسخ‌های خود را بنویسید.

عوامل عمده در انتخاب شغل

علاقه : علاقه اولین شرط انتخاب شغل است.

– فردی که از ناچاری و برای فرار از بیکاری به شغلی روی آورده است؛

– فرزندی که به اجبار والدین و مصلحت‌اندیشی آنها شغلی را برگزیده است، به اندازه

فردی که به کار خود علاقه‌مند است و با شور و شوق سرکار حاضر می‌شود، موفق نخواهد بود.

استعداد : داشتن **استعداد** و توانایی در کار مورد علاقه، شرط دیگر انتخاب شغل

است؛ زیرا هر شغل توانایی‌های ذهنی، روانی و جسمی خاصی را می‌طلبد.

فرض کنید فردی با دیدن فیلمی از زندگی یک پرستار و از خودگذشتگی او به شغل

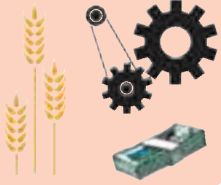
پرستاری علاقه‌مند شود و آن را به عنوان شغل آینده خود انتخاب کند. تا این جا وی فقط

به این شغل رغبت پیدا کرده است و اشتغال به آن را ارزشمند می‌داند. اگر این فرد زودرنج

و کم‌حوصله باشد، آیا می‌تواند در شغل پرستاری توفیق یابد؟ شغلی که در آن روحیه خدمت به

هم‌نوع، صبر و حوصله زیاد، آرامش روانی، حس همدردی و دلسوزی بسیار، اساسی و لازم

است. مسلماً وی موفق نخواهد بود و در گام‌های اول در انتخاب خود تردید خواهد کرد.



نمونه دیگر، انتخاب شغل آزاد در بازار است. فرض کنید امکانات اشتغال به چنین کاری (مانند سرمایه و محل کسب و...) برای فردی که به این گونه کارها علاقه مند است، آماده باشد. به فرض پدر او اهل بازار باشد و این امکانات را در اختیار وی بگذارد. اگر این فرد روحیه خطر کردن و حسابگری نداشته باشد، به فرض که به این کار مشغول شود، آیا خواهد توانست توفیقی به دست آورد؟ مسلماً پاسخ منفی است.

نمونه سوم را برای این طرح می‌کنیم تا شما را با توانایی ذهنی دیگری آشنا کنیم و آن **توانایی و استعداد هوشی** است. تناسب استعداد و هوش با شغل مورد نظر، یک اصل شناخته می‌شود؛ زیرا اگر فردی کم هوش شغلی را برگزیند که انجام آن به هوش و توانایی زیادی نیاز داشته باشد، به خوبی از عهده آن کار برنخواهد آمد و دچار شکست و محرومیت خواهد شد. همچنین اگر فردی باهوش، شغلی را انتخاب کند که به هوش و توانایی ذهنی کمتری نیاز دارد، از شغلش رضایت کافی نخواهد داشت و به زودی خسته خواهد شد. اکنون شغلی مانند کارگری را در نظر بگیرید. در چنین شغلی، داشتن میزانی از توانایی جسمانی، روحیه انجام دادن کارهای تکراری و یکنواخت و... شرط موفقیت است.

از توانایی‌ها و استعدادهایی که به آنها اشاره کردیم، بعضی تقریباً زیستی و بعضی زیستی - اجتماعی‌اند. این توانایی‌ها و استعدادها را فرد قبل از اشتغال به کار به صورت ارثی یا در اثر تربیت به دست آورده است؛ به عبارتی، آنها را با خود به شغل خویش می‌آورد.

فعالیت ۱۵ - ۴ بعضی از استعدادها و توانایی‌های لازم برای مشاغل زیر را برشمارید:
- کشاورزی، رانندگی، معلمی و مدیریت.

مهارت: داشتن **مهارت** لازم برای انجام کارهای مربوط به شغل، از دیگر عوامل مهمی است که باید در انتخاب شغل مورد توجه قرار گیرد.^۱

فرض کنید فردی به شغل بتایی علاقه مند است و توانایی انجام این کار (توانایی

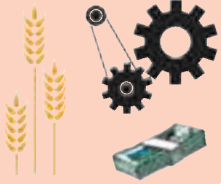
۱- امام صادق (ع): «هر صاحب حرفه و صنعتی باید دارای سه خصلت باشد تا بتواند به وسیله آن درآمدی کسب کند. اول آن که در رشته علمی خویش مهارت داشته باشد، دوم آن که با درستکاری و امانت رفتار کند و سوم آن که با کارفرمایان حسن برخورد داشته باشد» (بحار الانوار، جلد ۱۷، ص ۱۸۳)

جسمی، حدی از هوش، دقت و ظرافت در امور و... را دارد. این کافی نیست و فرد باید مهارت‌های کارگران ساده‌بنا مانند نحوه ساخت ملات و تهیه سیمان و گچ و... را داشته باشد و علاوه بر این‌ها، مهارت‌های خاص رشته خود را نیز کسب کند (مثلاً اگر کاشی کار است، نحوه چیدن کاشی، تراز کردن، ملات‌ریزی پشت آنها و...) را به دست آورد. زمینه کسب این مهارت‌ها نیز آشنایی با بعضی ابزار و نحوه استفاده از آنها را می‌طلبد (مثلاً تراز، شاقول و...). فرد این مهارت‌ها و اطلاعات را به مرور با **شاگردی در کنار دست استادکار** کسب می‌کند.

کسب مهارت‌ها از راه شاگردی اگرچه مرسوم بوده و است، ولی برای همه مشاغل امکان‌پذیر نیست. مشاغل مربوط به ساختمان، معماری و مهندسی ساختمان را در نظر بگیرید؛ معماران معمولاً بنایان با سابقه‌ای‌اند که علاوه بر مهارت‌های بنایان باید در کارهای دیگری نیز مهارت داشته باشند؛ مثلاً در طراحی ساختمان‌های معمولی، مدیریت نیروی انسانی در کار بنایی و ترکیب بهترین شرایط از نیروی کار و مصالح و... برای پیشبرد کار در کوتاه‌ترین مدت. معماران این مهارت‌ها را در طول سال‌ها و بر اثر **تجربه** کسب کرده‌اند. در سطح بالاتر مهندسان قرار دارند. مهندس ساختمان باید این توانایی را داشته باشد که قبل از ساختن بنا، بنای ساخته شده را در **ذهن** مجسم کند؛ مقاومت پایه‌ها را محاسبه کند؛ نوع پی‌ریزی، آهن و مصالح دیگر را مشخص کند؛ مقدار مصالح و نیروی انسانی لازم را تعیین کند و...

این مهارت‌ها با چند سال تجربه یا شاگردی در کنار یک استاد بنا به دست نمی‌آید بلکه آشنایی با علومی چون فیزیک، ریاضی و... و گذراندن دوره‌های تخصصی را می‌طلبد. مهندس ساختمان ممکن است این مهارت را نداشته باشد که حتی آجری را بر آجری بگذارد اما این مهارت را دارد که بنا را قبل از ساختن مجسم کند؛ بنابراین، داشتن توانایی ذهنی و قدرت انتزاع قوی، شرط اساسی کار وی است و او باید در این زمینه مهارت لازم را کسب کند.

چنان که ملاحظه می‌کنید، مهارت همیشه جسمی نیست. امروزه اغلب مهارت‌ها ذهنی است و از طریق تحصیل به دست می‌آید.



اکنون نمونه دیگری را بررسی می‌کنیم؛ مدیر یک کارخانه یا اداره را در نظر بگیرید. کار مدیر، اداره افراد است و کسب این مهارت صرفاً به خواندن ریاضی و فیزیک و... نیاز ندارد بلکه در آن آشنایی با:

— امور روانی انسان‌ها، نیازها، خواست‌ها و توانایی‌های آنها
— سازمان و تشکیلات و اهداف آن و مهارت استفاده از انسان‌ها در جهت تحقق اهداف سازمان ضرورت دارد.

مهارت‌های یک مدیر با مهارت‌های مهندس ساختمان متفاوت است. مدیر با انسان‌ها، با همه ظرافت‌های روحی و روانی‌شان و ارزش‌ها و اعتقاداتی که برای آنها مقدس است، سروکار دارد؛ بنابراین، به مهارتی به مراتب پیچیده‌تر از مهارت مهندس ساختمان نیاز دارد و به همان میزان، بیشتر به هوش و اطلاعات نیازمند است.

مهارت‌های دانشمندان و اهل تحقیق از نوع دیگری است. آنها با مفاهیم کار می‌کنند. دنیای کار آنها ذهن و مفاهیم است؛ بنابراین، باید بدانند با این مفاهیم چگونه کار کنند و چگونه آنها را به کار بگیرند.

خویشتن‌پنداری: گاهی اوقات فرد با وجود رغبت و میل اولیه، داشتن استعداد و توانایی و مهارت در زمینه شغلی خاص، پس از مدتی احساس می‌کند که **آن شغل برای وی مناسب نیست یا برای آن کار ساخته نشده است**. وی با فعالیت در آن شغل، احساس کمبود می‌کند و حتی ممکن است آن را رها کند و مدت‌ها از شغلی به شغل دیگر روی آورد. چرا چنین وضعی پیش می‌آید؟

در پاسخ به این پرسش، علمای روان‌شناسی از مفهوم **خویشتن‌پنداری** سخن می‌گویند. هر فرد با زندگی در اجتماع به **تصویری از خود و از آنچه باید بشود**، دست می‌یابد. در صورتی که شغل انتخابی، فرد را از این تصور دور کند یا به تحقق آن تصور کمک نکند، فرد خود را مغبون احساس می‌کند و نسبت به آن شغل بی‌میل می‌شود.

فرض کنید فردی در جریان زندگی به این تصور از خود دست یابد که توانایی اداره و رهبری جمعی را داراست؛ حال اگر با این تصور، کارمند ساده‌ای یک اداره بشود، سرنوشت وی در این شغل چه خواهد بود؟ شغلی که تبعیت از دستورات مافوق یکی از لوازم کار آن است.

– اگر به این نتیجه برسد که می‌تواند در سلسله مراتب اداری رشد کند و به مقام مدیریت و مسئولیت اداری برسد، احتمال دارد در آن کار باقی بماند.
اما اگر به این نتیجه برسد که تا آخر عمر باید کارمندی ساده باقی بماند، برای وی آن شغل جز خستگی و... چیزی به دنبال نخواهد داشت.

فردی را تصور کنید که تبعیت و اطاعت از دستورات رهبران و مدیران، جزء تصور وی از خودش است. اگر این فرد را در مقام مدیریت یک اداره بگذارند، این تصور او را در این مقام ناموفق خواهد ساخت؛ زیرا او برای تصمیم‌گیری و صدور دستور که یکی از لوازم کار مدیریت است، همیشه منتظر دستور دیگران خواهد بود و در نتیجه، به جای اداره کردن دیگران، دیگران او را اداره خواهند کرد.

فعالیت ۱۶ – ۴ دربارهٔ موارد زیر در کلاس گفت‌وگو کنید؛

– فردی که خطر کردن و فعالیت در زمینه‌های بدیع، جزء تصور وی از خودش است ولی به کاری ساده و تکراری مشغول می‌شود؛
– فردی که آرامش و عدم تحرک، جزء تصور وی از خودش است و به کاری پرتحرک مشغول می‌شود.

محیط و شرایط اجتماعی : فرض کنید که فرد در انتخاب شغل به استعداد، علاقه و... خود توجه کرده و براساس آن شغل خویش را انتخاب کرده است. آیا می‌توان گفت او در شغل خود موفق است؟

پاسخ به این پرسش را با بررسی دو نمونهٔ فرضی آغاز می‌کنیم.
نمونهٔ اوّل :

فردی را در نظر بگیرید که به صنعتگری :

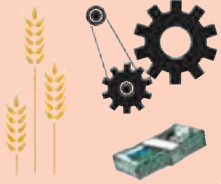
– رغبت کامل دارد؛

– استعداد و توانایی انجام آن را هم دارد؛

– مهارت‌های لازم را هم در این زمینه کسب کرده است؛

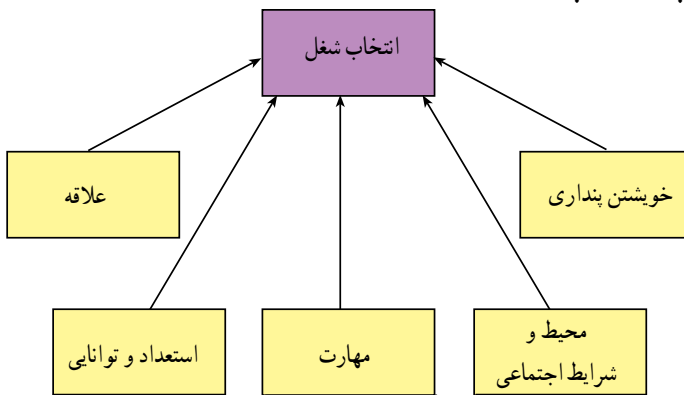
– این شغل با تصور وی از خودش نیز تناسب دارد و او احساس می‌کند که برای

این کار ساخته شده است.



اگر این فرد از خانواده‌ای اشرافی باشد که صنعتگری را شغلی دون منزلت اجتماعی خود بدانند یا با کسی ازدواج کند که این شغل برای او، شغلی کم‌میزت، بدون آینده و... باشد، برای این فرد چه پیش خواهد آمد؟
نمونه دوم:

فردی را در نظر بگیرید که با بررسی همه جوانب به این نتیجه رسیده است که باید به دامپروری مشغول شود. پس با استفاده از وام و امکانات دولتی یک مؤسسه گاوداری تأسیس می‌کند و به کار می‌پردازد. اگر این فرد در خانواده‌ای زندگی کند که پرداختن به این امور را کاری بیهوده یا دون شأن تلقی می‌کنند یا در محیطی زندگی کند که افراد آن دامپروری را شغلی پرمشغله و بدون مزایا می‌دانند، برای او چه پیش خواهد آمد؟ او باید به‌طور مداوم با فشارهای خانواده، همسر و محیط مقابله کند؛ تا آنجا که این احساس در وی سر برمی‌آورد که چرا این شغل را انتخاب کرده است.
بنابراین، توجه به **محیط و شرایط اجتماعی** نکته پنجم در انتخاب شغل است که فرد باید به آن توجه داشته باشد.



عوامل مؤثر بر انتخاب شغل

فعالیت ۱۷ - ۴ یک بار دیگر، آنچه را در پاسخ به پرسش ابتدای این درس یادداشت کرده‌اید، مرور کنید و با توجه به مطالب درس آن را کامل کنید.
البته در کنار عوامل فردی در انتخاب شغل باید به عامل جامعه و نیازهای آن نیز توجه کرد.

آسیب‌های نظام اقتصادی

نظام اقتصادی نیز مانند نظام‌های اجتماعی دیگر، مسائل خاص خود را دارد. پدیده‌هایی چون بیکاری، تورّم، گران‌فروشی، مصرف‌گرایی و اسراف، مشکل مسکن و فقر، مسائلی‌اند که نظام اقتصادی با آنها روبه‌روست و ما در بررسی آنها به تعارضات ساختی، عدم تعادل و هماهنگی میان خرده نظام‌ها خواهیم رسید. در این قسمت یکی از مهم‌ترین آسیب‌ها یعنی بیکاری را بررسی می‌کنیم.

مفهوم بیکاری

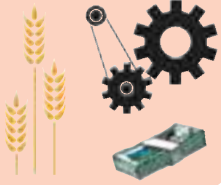
مسئله عدم اشتغال کودکان و پیران را کسی بیکاری نمی‌نامد. در عرف، «بیکار» به فردی گفته می‌شود که می‌تواند کاری انجام دهد و شغلی داشته باشد، ولی شغلی پیدا نمی‌کند. معنای بیکاری این نیست که فرد هیچ کاری نمی‌کند، بلکه معنای آن این است که او شغل و در نتیجه درآمدی ندارد.

در کنار این مفهوم از بیکاری که به آن **بیکاری آشکار** می‌گویند، بیکاری فصلی، اشتغال کاذب و بیکاری پنهان نیز وجود دارد که انواع دیگر بیکاری‌اند. در زیر به اختصار درباره هر یک از این موارد توضیح می‌دهیم.

بیکاری فصلی نوعی از بیکاری است که در آن، فرد مدتی از سال شغلی دارد ولی در بقیه ایام سال به کار مشغول نیست؛ مانند مشاغل کارگران ساختمانی، کارگران کشاورزی و نظایر اینها.

در **اشتغال کاذب** نیز فرد دارای شغل و درآمد است ولی شغل وی در نظام اقتصادی نتیجه‌ای مطلوب ندارد. مشاغلی مانند دلالی، کوپن‌فروشی و سیگارفروشی (در بعضی از اشکال آن) اشتغال کاذب‌اند.

اکنون تصور کنید که یک مهندس برق که برای امور فنی تربیت شده است، به رانندگی



تا کسی بپردازد. اگرچه شغل او برای نظام اقتصادی نتیجه مطلوب دارد اما از استعداد و توانایی وی در حد مطلوب استفاده نشده است. به این نوع اشتغال که در آن از حداکثر استعداد و توانایی فرد استفاده نمی‌شود، **بیکاری پنهان** می‌گویند.

فعالیت ۱۸ - ۴ پیش از ادامه درس، در مورد این پرسش فکر

کنید: چرا در یک جامعه، پدیده‌ای به نام بیکاری (چه آشکار چه پنهان) به وجود می‌آید؟ پاسخ‌های خود را یادداشت کنید.

عوامل بیکاری

الف - ناکارآمدی نظام آموزشی: امروزه بسیاری از مشاغل به تخصص نیاز دارند؛ یعنی، فرد قبل از به عهده گرفتن آنها باید یک دوره آموزشی را طی کند تا مهارت‌های لازم را به دست آورد. با استفاده از تعلیمات نظام آموزش و پرورش و دانشگاه می‌توان به مهارت‌ها و اطلاعات لازم دست یافت. اگر نظام آموزش رسمی به مهارت‌هایی که نظام اقتصادی و مشاغل به آنها نیاز دارند، توجه نکند یا به افراد آموزش‌هایی بدهد که در نظام اقتصادی کارایی ندارد یا برای بعضی مشاغل مناسب نیست، نیرویی که وارد بازار کار می‌شود یا بیکار می‌ماند یا به مشاغل کاذب روی خواهد آورد.

در این حالت، می‌توان از شرایطی صحبت کرد که طی آن، نظام آموزشی افراد را برای مشاغلی چون مهندسی و کارشناسی تربیت می‌کند؛ در حالی که در کارخانه‌ها جای افرادی چون تکنیسین (فن‌ورز)ها خالی است؛ در نتیجه، در رده‌های کاری کارخانه در یک سو مهندسان را داریم و در سوی دیگر کارگران را؛ بدون اینکه نیرویی وجود داشته باشد که به عنوان رابط این دو گروه، نظام تقسیم کار را کامل کند.

همین‌طور می‌توان از شرایطی صحبت کرد که طی آن به افراد آموزش‌هایی در حد کارشناسی ارشد و دکتری داده می‌شود ولی در نظام اقتصادی از آنها در حد کارشناس استفاده می‌شود.

افرادی که در حد دیپلم آموزش دیده‌اند ولی به کارهایی مشغول می‌شوند که اطلاعاتی

در حدّ سیکل لازم دارد، نمونهٔ دیگری از این مورد است. این مطلب را می‌توان با عنوان عدم تعادل و ناهماهنگی میان نظام آموزشی و نظام اقتصادی بیان کرد.

همچنین، ممکن است در جامعه، باورها و نگرش‌های نادرستی (مانند ترجیح مشاغل راحت و پشت میزنشینی به کارهای تولیدی و دشوار) نسبت به کار و شغل وجود داشته باشد؛ در این حالت، نظام آموزشی می‌تواند در کنار عوامل دیگری همچون خانواده، رسانه‌ها، مساجد و... با اصلاح این باورها، بر نوع و میزان بیکاری اثر بگذارد.

در ضمن، نظام آموزشی می‌تواند با ترویج و تقویت باورها و نگرش‌های مناسب به کار (مانند نگرشی که کار را علاوه بر منبع درآمد، امری مقدس و وسیلهٔ ضروری ترقی و تعالی انسان نیز بشمارد) بر چگونگی وضعیت اشتغال و بیکاری تأثیر بگذارد.

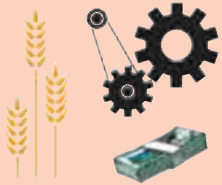
ب — ماشینی شدن و خودکاری (اتوماسیون): اکنون گامی فراتر می‌گذاریم و به علت دیگر بیکاری که بسیاری از جوامع کنونی را شامل می‌شود، اشاره می‌کنیم: **ماشینی شدن و خودکاری (اتوماسیون) یا جایگزینی ماشین به جای انسان و هر چه بیشتر ماشینی کردن کارها.**

فعالیت ۱۹ — ۴ در کلاس در مورد موضوع زیر گفت و گو کنید.

چگونه ماشینی شدن موجب بیکاری می‌شود؟

عواملی که از آنها یاد کردیم، عواملی‌اند که خارج از نظام اقتصادی، نظام آموزشی، صنعت و فناوری علل بیکاری شناخته می‌شوند. در درون نظام اقتصادی هم عواملی وجود دارد که موجب افزایش یا کاهش بیکاری می‌شود که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم.

پ — عدم تعادل در نظام اقتصادی: افرادی که در شهرها زندگی می‌کنند با پدیده‌ای به نام سیگارفروشی در سر چهارراه‌ها و کنار خیابان‌ها آشنا نیستند و احتمالاً شنیده‌اند که این کار شغلی کاذب است. همچنین با تکدی به عنوان شغلی کاذب و نیز نامشروع آشنا نیستند. علت اینکه چرا می‌گوییم کاذب، این است که در نظام اقتصادی اثر مطلوبی ندارد اما در شهری مانند تهران شاید هزاران نفر و حتی ده‌ها هزار نفر به این کار مشغول‌اند و درآمد آنها هم گاه بیش از بسیاری مشاغل مفید جامعه است. بسیاری کسانی که به کار



تولید مشغول اند و درآمد آنها کمتر از ثلث و نصف درآمد سیگار فروش ها و مشاغل مشابه آن است. این مشاغل همچنین به پیشینه آموزش رسمی نیز نیازی ندارند.

بعضی از مشاغلی که از آنها با عنوان **واسطه** یاد می شود، نیز از این نوع اند. صاحبان این مشاغل بدون اینکه در نظام اقتصادی اثر مطلوبی داشته باشند فقط به صورت مجموعه ای از واسطه ها میان تولیدکننده و مصرف کننده قرار گرفته اند.

فعالیت ۲۰ - ۴ در کلاس بحث کنید :

— چرا مشاغل واسطه گری در جامعه به وجود آمده اند؟
— سه نمونه از مشاغل واسطه ای را نام ببرید که در نظام اقتصادی اثر مطلوب دارند.
— سه نمونه از مشاغل واسطه ای را نام ببرید که در نظام اقتصادی اثر نامطلوب دارند.
— با وجود اثر نامطلوب بعضی از مشاغل واسطه ای در نظام اقتصادی، چرا افراد ترجیح می دهند که در این مشاغل مشغول به کار شوند؟
هنگامی که نظام اقتصادی به نحوی سازمان یافته باشد که سودآوری تجارت و خرید و فروش بیش از کار تولیدی باشد، گرایش افراد به کارهای تولیدی کم می شود. این یکی از نشانه های عدم تعادل و ناهماهنگی در نظام اقتصادی است.

ت — **رکود اقتصادی** : ممکن است بیکاری نتیجه **رکود اقتصادی** باشد؛ یعنی، شرایطی که در آن عرضه بر تقاضا پیشی می گیرد و در خرید و فروش کالاها، رکود ایجاد می شود. در این حالت، فعالیت های اقتصادی از رونق می افتند، تولیدکنندگان از تولید باز می مانند، افراد از سرمایه گذاری جدید خودداری می کنند و در نتیجه، نیروی کاری که تازه وارد بازار شده است و حتی نیروی کار ماهر، بیکار می مانند.

ث — **زیربنای اقتصادی ناکافی** : کشوری که نمی تواند زیربنای اقتصادی لازم را برای رشد اقتصادی فراهم آورد، با بیکاری روبه رو می شود.

ایجاد مشاغل جدید با دستورالعمل و توصیه و نصیحت ممکن نیست بلکه به زمینه هایی نیاز دارد که بخش عمده ای از آنها اقتصادی است.

برای نمونه :

– کشوری که فاقد صنایع زیر بنایی باشد؛
– سرمایه لازم را برای ایجاد صنایع زیر بنایی نداشته باشد؛
– فاقد نیروی متخصص لازم برای ایجاد این صنایع باشد،
در بسیاری از زمینه‌های صنعت، رشد نخواهد کرد و در نتیجه، مشاغل جدید هم ایجاد نخواهد شد.

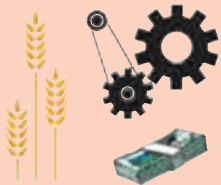
– کشوری که نتواند منابع آب خویش را ذخیره و به‌طور مطلوب مصرف کند، نخواهد توانست در زمینه کشاورزی هم مشاغل جدیدی ایجاد نماید.

بنابراین، گاه نبود زیربنای اقتصادی قوی موجب می‌شود صنعت و کشاورزی از رشد باز مانند و در نتیجه، بیکاری آشکار و پنهان افزایش یابد.

عواملی که از آنها نام بردیم، بعضی از عوامل اقتصادی و غیراقتصادی بیکاری در جوامع هستند اما بیکاری یکی از مشکلات و مسائل اقتصادی است. امور نامطلوب بسیار دیگری هم هست که به عنوان مشکل و مسئله مطرح می‌شوند و حاصل ناهماهنگی و عدم تعادل میان خرده‌نظام‌های مختلف در جامعه‌اند.

فعالیت ۲۱-۴ یک بار دیگر، آنچه را در پاسخ به پرسش ابتدای این درس یادداشت کرده‌اید، از نظر بگذرانید و با توجه به مطالب درس، آن را کامل کنید. سپس یکی از مسائل اقتصادی زیر را انتخاب و مانند مسئله بیکاری، در مورد آن تحقیق کنید. نتیجه تحقیق خود را در کلاس گزارش کنید.

- تورم
- گران‌فروشی
- مصرف‌گرایی
- فقر.



پرسش‌های فصل

- ۱- نظام اقتصادی از چه اجزایی تشکیل می‌شود؟
- ۲- رابطه اقتصادی با رابطه دوستانه چه تفاوت‌هایی دارد؟
- ۳- نظام پولی چیست و چه تأثیری بر فعالیت‌های اقتصادی دارد؟
- ۴- نظام تولیدی چیست و چه نقشی در نظام اقتصادی دارد؟
- ۵- نظام توزیع چیست و چه تأثیری بر زندگی اقتصادی دارد؟
- ۶- محیط طبیعی چه تأثیری بر نظام اقتصادی کشورها دارد؟
- ۷- رابطه پیشرفت‌های علمی و صنعتی یک کشور را با اقتصاد آن کشور مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید.

- ۸- به نظر شما، چه عواملی باعث می‌شود که مردم به کالاهای غیرضروری احساس نیاز کنند؟
- ۹- می‌دانید که بین رفتار اقتصادی مردم با پیشرفت اقتصادی رابطه مستقیمی وجود دارد. با ذکر چند رفتار اقتصادی مناسب برای جامعه ما، تأثیرات آنها را بر توسعه اقتصادی بررسی کنید.
- ۱۰- دولت با چه ابزارهایی می‌تواند در تنظیم امور اقتصادی دخالت کند؟
- ۱۱- اگر صنعت به سرعت بر روابط اقتصادی یک کشور تأثیر گذارد، چه مشکلاتی برای جامعه پیش می‌آورد؟ چرا؟

- ۱۲- اگر کسی بدون علاقه، شغلی را انتخاب کند، با چه مشکلاتی روبه‌رو می‌شود؟
- ۱۳- رابطه استعداد و توانایی فردی را با انتخاب شغل توضیح دهید.
- ۱۴- رابطه خویشتن‌پنداری و انتخاب شغل را بررسی کنید.
- ۱۵- نبود زیربنای اقتصادی چگونه موجب بیکاری می‌شود؟

مروری بر فصل

- ۱- بخشی از فعالیت‌های هر نظام که برای تولید کالاها و خدمات مورد نیاز مردم انجام می‌گیرد، «فعالیت‌های اقتصادی» نامیده می‌شود.
- ۲- در هر نظام اقتصادی برای انجام فعالیت‌های اقتصادی، روابط معینی بین افراد به وجود می‌آید؛ به این روابط «روابط اقتصادی» گفته می‌شود.
- ۳- جامعه برای حفظ یکپارچگی خود، قواعدی را برای تعیین حدود منافع افراد مشخص می‌کند که از آنها به «قاعده مالکیت» یاد می‌شود.

- ۴- مجموعه روابطی که بر محور تولید و مبادله کالا و خدمات و براساس قواعد تعیین شده توسط جامعه (قاعده مالکیت) شکل می‌گیرد، نظام اقتصادی را به وجود می‌آورد.
- ۵- نظام تولیدی، نظام توزیع، نظام پولی و بانکی خرده نظام‌های نظام اقتصادی یک کشور را تشکیل می‌دهند.
- ۶- در هر کشور، نظام اقتصادی با محیط طبیعی رابطه مستقیم دارد. غنای محیط طبیعی یکی از عوامل رشد اقتصادی است.
- ۷- رشد علم موجب توسعه صنایع کشور می‌شود و صنعت و فناوری باعث پیشرفت اقتصادی می‌شود.
- ۸- رشد علم به ارزش‌های جامعه بستگی دارد.
- ۹- آموزش و پرورش با آماده ساختن افراد برای زندگی اجتماعی و ایجاد صلاحیت‌ها و توانایی‌های لازم در آنها، زمینه لازم را برای رشد و توسعه اقتصادی فراهم می‌کند.
- ۱۰- نظام اقتصادی با تأمین نیازهای افراد جامعه رابطه مستقیم دارد. در صورتی که نیازهای افراد با سرعتی بیش از رشد اقتصاد گسترش یابد، جامعه دچار عدم تعادل و نابسامانی می‌شود.
- ۱۱- دولت با تنظیم و اجرای برنامه‌های اقتصادی، بر نظام اقتصادی اثر می‌گذارد و امور اقتصادی را هدایت می‌کند.
- ۱۲- خانواده از یک سو برای نظام اقتصادی، مصرف‌کننده و از سوی دیگر نیروی کار فراهم می‌کند.
- ۱۳- نظام اقتصادی وظیفه حفظ حیات مادی جامعه را برعهده دارد.
- ۱۴- اگر سرعت تأثیر صنعت بر روابط اقتصادی خیلی سریع نباشد، افراد می‌توانند خود را با شرایط جدید وفق دهند ولی اگر سرعت این تغییرات زیاد باشد، جامعه دچار عدم تعادل می‌شود.
- ۱۵- از پیامدهای نامطلوب نظام اقتصادی، به وجود آمدن تضاد طبقاتی و رواج پول پرستی است.
- ۱۶- اگر شغل فرد با علاقه و توانایی‌های او هماهنگ باشد، فرد موفقیت بیشتری به دست می‌آورد.
- ۱۷- برای انجام هر کار مهارت لازم است. مهارت از راه آموزش یا کسب تجربه به دست می‌آید.
- ۱۸- اگر فرد توانایی‌های خود را بیش از میزانی تصور کند که برای انجام کار معین یا شغل خود به آن نیاز دارد، نسبت به شغل خویش بی‌میل می‌شود.
- ۱۹- محیط اجتماعی باعث می‌شود که گاهی فرد برای کسب وجهه اجتماعی شغل انتخاب کند.
- ۲۰- «بیکاری» یکی از مسائل اقتصادی است. عدم تعادل بین نظام آموزشی و نیازهای مشاغل، ماشینی شدن کارها، رکود اقتصادی، نبودن زیربنای اقتصادی لازم از عوامل به وجود آورنده بیکاری اند.